

بسم الله الرحمن الرحيم

شیوه های تقویت توحید باوری از دیدگاه علامه طباطبائی و فخر رازی بر اساس آیات ۱۳ تا

۱۹ سوره لقمان

حمید حمیدیان^۱؛ ساره حسینی پور^۲؛ راضیه سلطان عباسی ندوشن^۳

هرمزگان، بندرعباس، مدرسه علمیه تخصصی الزهرا سلام الله علیها

چکیده

توحید، بنیادین ترین اصل تربیت دینی در خانواده است و شیوه های تقویت آن، به ویژه در عصر چالش های فکری، اهمیت حیاتی دارد. پژوهش حاضر در پی تبیین و مقایسه شیوه های تقویت توحید باوری در بستر تربیت خانوادگی است. قلمرو این مطالعه، تحلیل تطبیقی دیدگاه های علامه سید محمد حسین طباطبائی (شیعه) و فخرالدین رازی (اهل سنت)، ذیل آیات تربیتی و اخلاقی ۱۳ تا ۱۹ سوره لقمان است. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و تطبیقی صورت گرفته. داده ها با استخراج مستقیم و تحلیل محتوای کتب تفسیری المیزان فی تفسیر القرآن و مفاتیح الغیب (التفسیر الکبیر) جمع آوری و بررسی شده اند. نتایج نشان داد که هر دو مفسر بر اصول مشترکی چون نفی شرک، اقامه عبادات عملی (نماز)، مسئولیت اجتماعی (امر به معروف) و رعایت تواضع به عنوان شیوه های اساسی تربیت توحیدی تأکید دارند. افتراق اصلی در رویکرد است؛ به طوری که فخر رازی بیشتر بر اثبات عقلی توحید و دفع شبهات کلامی تمرکز دارد، در حالی که علامه طباطبائی با رویکردی جامع تر، بر توحید عملی، ابعاد عرفانی، و نفوذ توحید در اخلاق و عمق جان انسان تأکید بیشتری ورزیده است. این پژوهش به غنای مباحث تربیت دینی توحیدی کمک می کند.

کلیدواژگان: توحید، توحید باوری، علامه طباطبائی، فخر رازی، تربیت توحیدی.

^۱ . استاد راهنما.

^۲ . طلبه سطح ۴، مدرسه علمیه تخصصی الزهرا سلام الله علیها، sare6593@gmail.com.

^۳ . طلبه سطح ۴، مدرسه علمیه تخصصی الزهرا سلام الله علیها.

۱. مقدمه

توحید، بنیادین‌ترین اصل در جهان‌بینی اسلامی است که بر یگانگی و بی‌همتایی خداوند در ذات، صفات، افعال و عبودیت تأکید دارد. این اصل نه تنها یک باور نظری، بلکه زیربنای تمام رفتارهای فردی و اجتماعی، اخلاقیات، و نظام ارزشی انسان مسلمان است و مبدأ هرگونه حرکت و تکامل معنوی محسوب می‌شود. در این میان، خانواده به عنوان اولین و مهم‌ترین نهاد تربیتی و اجتماعی، نقش بی‌بدیلی در انتقال و نهادینه سازی این باور محوری (توحید) از نسلی به نسل دیگر ایفا می‌کند. کیفیت و شیوه‌های تربیت توحیدمحور در خانواده، تأثیر مستقیمی بر شکل‌گیری شخصیت دینی و هویت ایمانی فرزندان دارد و می‌تواند سرنوشت معنوی جامعه را رقم بزند.

پژوهش حاضر در پی آن است که با رویکردی تطبیقی، شیوه‌ها و راهکارهای تقویت توحیدمحوری در خانواده را از منظر دو تن از برجسته‌ترین مفسران جهان اسلام، یعنی علامه سید محمدحسین طباطبایی (از مکتب تفسیری شیعه) و فخرالدین رازی (از مکتب تفسیری اهل سنت)، بررسی و تحلیل کند. این دو مفسر بزرگ در تفسیر خود از آیات قرآن کریم، به ویژه وصایای لقمان به فرزندش در سوره لقمان (آیات ۱۳ تا ۱۹)، نکات تربیتی عمیق و راهکارهای مهمی را برای پرورش روح توحیدی ارائه داده‌اند. مسئله اصلی این پژوهش آن است که دیدگاه‌های این دو مفسر، که هر یک دارای مبانی کلامی و روش‌های تفسیری متمایزی هستند، در تبیین شیوه‌های تقویت توحید در خانواده چه اشتراکات و افتراقاتی دارند و این تفاوت‌ها از چه عواملی (اعم از مبانی کلامی، روش‌شناختی یا تأکیدات فکری) نشأت می‌گیرد؟

در ضرورت و اهمیت این پژوهش همین بس که در عصر حاضر که خانواده‌ها با چالش‌های فکری، فرهنگی و معنوی متعددی مواجه هستند، تقویت توحیدمحوری به عنوان اصلی‌ترین سپر دفاعی در برابر کج‌روی‌ها و انحرافات فکری و عملی، از اهمیت حیاتی برخوردار است. این پژوهش، راهکارهای قرآنی و تفسیری برای تربیت نسل‌های آینده بر اساس بنیان‌های مستحکم توحیدی را ارائه می‌دهد. از طرف دیگر مطالعه تطبیقی دیدگاه‌های دو مفسر بزرگ از دو مکتب اصلی فکری اسلامی (شیعه و اهل سنت)، به فهم عمیق‌تر از تنوع و غنای تفسیری قرآن کریم کمک می‌کند. این مقایسه می‌تواند به شناسایی نقاط قوت و ضعف هر رویکرد در حوزه تربیت توحیدی و فراهم آوردن بستری برای گفت‌وگوهای میان‌مذهبی منجر شود و همچنین یافته‌های این پژوهش می‌تواند برای والدین، مربیان دینی، مشاوران خانواده، و برنامه‌ریزان آموزشی در تدوین الگوها و محتوای آموزشی برای تربیت توحیدی فرزندان، رهنمودهای عملی و کاربردی ارائه دهد.

هدف اصلی این موضوع تبیین و مقایسه شیوه‌ها و راهکارهای تقویت توحید باوری در خانواده از منظر علامه طباطبایی و فخرالدین رازی ذیل آیات ۱۳ تا ۱۹ سوره لقمان است و از اهداف فرعی می‌توان به شناسایی

اشتراکات و افتراقات دیدگاه‌های دو مفسر در تبیین شیوه‌های تقویت توحید در خانواده و تحلیل عوامل و مبانی کلامی و روش‌شناختی که تفاوت‌ها در تأکیدات فکری این دو مفسر نام برد. در این مقاله به سوالاتی چون، «شیوه‌های تقویت توحید باوری در خانواده، بر اساس آیات ۱۳ تا ۱۹ سوره لقمان، از دیدگاه علامه طباطبایی و فخر رازی کدامند؟» و «دیدگاه‌های علامه طباطبایی و فخر رازی در تبیین شیوه‌های تقویت توحید باوری در خانواده، چه اشتراکات و افتراقاتی با یکدیگر دارند؟» و «افتراقات کلیدی در دیدگاه این دو مفسر در تبیین شیوه‌های تقویت توحید باوری، از چه عوامل کلامی، روش‌شناختی یا تأکیدات فکری نشأت می‌گیرد؟» پاسخ داده می‌شود.

پیشینه

پژوهش در زمینه توحید، تربیت دینی و خانواده، و همچنین مطالعات تطبیقی میان تفاسیر اسلامی، از جمله حوزه‌های فعال در مطالعات اسلامی است.

در داخل کشور، تحقیقات متعددی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به ابعاد مختلف توحید، تربیت دینی فرزندان در خانواده، و تحلیل تفاسیر علامه طباطبایی و فخر رازی پرداخته‌اند. برای مثال، پژوهش‌هایی در باب راهکارهای تربیت توحیدی از منظر قرآن و حدیث (مانند آثار موسوی و حسینی)، نقش خانواده در رشد معنوی کودکان (مانند آثار حیدری و علوی)، و همچنین مطالعات تطبیقی در روش‌شناسی تفسیری فخر رازی و علامه طباطبایی (مانند مقالات شریعتی و غفوری)، وجود دارد. با این حال، پژوهشی که به طور خاص و با این جزئیات، به مقایسه شیوه‌های تقویت توحید باوری بر اساس نظریات تفسیری مشخص این دو مفسر ذیل آیات معین سوره لقمان پرداخته باشد، به نظر می‌رسد کمتر مورد توجه قرار گرفته است. ضرورت این پژوهش در تکمیل خلأ موجود و ارائه یک تحلیل تطبیقی متمرکز بر شیوه‌های عملی تربیت توحیدی در خانواده، از منظر دو مفسر برجسته، آشکار می‌گردد.

۲. مفهوم‌شناسی و مبانی

با توجه به عنوان تحقیق که «شیوه‌های تقویت توحید باوری از دیدگاه علامه طباطبایی و فخر رازی بر اساس آیات ۱۳ تا ۱۹ سوره لقمان» می‌باشد در ابتدا به مفهوم‌شناسی واژه توحید می‌پردازیم:

۱.۲. توحید

راغب اصفهانی^۴ در ذیل ماده "وحد" به واژه‌های "واحد" و "أحد" اشاره می‌کند و توضیح می‌دهد که "واحد" در اصل به معنای "شیء منفرد" است که جزء ندارد. "أحد" نیز به همین معناست، اما در مواردی خاص‌تر مثل نفی کلی (لم یقل أحد) و در صفت خداوند (الله أحد)، به کار می‌رود. او "توحید" را به معنای "جعل الشیء واحداً" (چیزی را یگانه شمردن/ساختن) و "اعتقاد أنه واحد" (اعتقاد به یگانه بودن آن) می‌داند. در باب خداوند، توحید به معنای "اعتقاد وحدانیت و نفی الشریک عنه" (اعتقاد به یگانگی خداوند و نفی شریک از او) است. این شامل نفی شریک در ذات، صفات و افعال می‌شود. (راغب اصفهانی، (۱۴۱۲ق)، ص ۸۷۰)

ابن فارس^۵ نیز در ذیل ماده "وحد" می‌گوید که این ریشه بر "الانفراد و التوحد" (یگانه بودن و تنها شدن) دلالت می‌کند. و در تعریف توحید می‌گوید: از این ریشه، فعل "وَحَدَّ" به معنای "جعل الشیء واحداً" (چیزی را واحد قرار دادن) و "توحید" به معنای "الاعتقاد بوحدة الله" (اعتقاد به یگانگی خداوند) می‌آید. این ریشه به طور کلی بر هر چیزی که منفرد و تنها باشد، اطلاق می‌شود و در مورد خداوند به معنای اعتقاد به یگانگی اوست. (ابن فارس، (۱۳۹۹ق)، ج. ۶، ص ۴۷۶)

ابن درید^۶ در ذیل ماده "وحد" به معانی مختلفی از جمله "الواحد" (یگانه) و "الأحد" (یکی) اشاره می‌کند. وی بر این تأکید دارد که ریشه "وحد" در اصل به معنای "انفراد الشیء بذاته" (تنها و یگانه بودن چیزی به ذات خود) است. او نیز در تعریف "توحید" می‌گوید: توحید از فعل "وَحَدَّ" گرفته شده و به معنای "اعتقاد بأن الله واحد لا شریک له" (اعتقاد به اینکه خداوند یکتاست و شریکی ندارد) آمده است. این معنا هم شامل جنبه نظری (باور) و هم جنبه عملی (پذیرش این یگانگی) می‌شود. (ابن درید (۱۹۸۷م)، ج ۱، ص ۳۲۴)

طریحی^۷ نیز در ذیل ماده "وحد" به معنای "الواحد" و "الأحد" می‌پردازد و "وحدانیت" را به معنای "وحدت الذات" (یگانگی ذات) و "نفی الشرکاء" (نفی شریکان) می‌داند.

توحید: "توحید" را به معنای "الإقرار بأن الله واحد لا شریک له" (اقرار به اینکه خداوند یکتاست و شریکی ندارد) تعریف می‌کند. ایشان همچنین به مراتب توحید (ذاتی، صفاتی، افعالی، عبادی) اشاره دارد که این نشان از نگاه کلامی و عمیق‌تر به مفهوم توحید در این کتاب است. (طریحی، (۱۳۷۵ش)، ج ۳، ص ۲۶۴)

۴. در کتابش به لغات غریب قرآن و معنای آن‌ها در بافت قرآنی می‌پردازد.

۵. در کتابش بر ریشه‌های اصلی واژگان عربی و معنای آن‌ها در طول تاریخ زبان تأکید دارد.

۶. کتاب جمهره اللغة از کتب قدیمی و مهم در زمینه ریشه‌شناسی و لغت عربی است.

۷. کتاب لغتش یک فرهنگ لغت شیعی است که بر لغات قرآنی، حدیثی و فقهی با رویکردی خاص تمرکز دارد.

زبیدی^۸ در ماده "وحد" به تفصیل به "وحد" و "واحد" و "أحد" می‌پردازد. او "واحد" را به معنای "اول العدد" (اولین عدد) و همچنین به معنای "المنفرد" (تنها) می‌آورد.

توحید: "توحید" را به معنای "اعتقاد وحده الله تعالی و نفی الشریک عنه" (اعتقاد به یگانگی خداوند متعال و نفی شریک از او) تعریف می‌کند. همچنین "وَحْدَهُ" را به معنای "قال: هو واحد" (گفت: او یکتاست) و "جَعَلَهُ واحداً" (او را یکتا شمرد/دانست) بیان می‌کند. این کتاب نیز بر جنبه‌های اقرار لسانی، اعتقاد قلبی و نفی شریک برای خداوند تأکید دارد. (زبیدی، (بی‌تا)، ج ۹، ص ۲۳۵)

بنابراین به طور کلی، در کتب لغت معتبر عربی، ریشه "وحد" را بر معنای "یگانگی" و "تنها بودن" دلالت می‌دهند. واژه "توحید" نیز از این ریشه برگرفته شده و در مفهوم عام، به معنای "یگانه شمردن" و "یکی دانستن" هر چیزی است.

اما در اصطلاح دینی و قرآنی، "توحید" به معنای:

اعتقاد قلبی راسخ به یگانگی خداوند در ذات، صفات و افعال.

اقرار زبانی به این یگانگی.

نفی هرگونه شریک، هم‌تا یا همانند برای خداوند در ربوبیت، الوهیت و عبودیت.

جعل و قرار دادن خداوند به عنوان تنها معبود و مدبر حقیقی هستی.

این تعاریف لغوی، پایه و اساس فهم کلامی و تفسیری از توحید را تشکیل می‌دهند و نشان می‌دهند که توحید نه تنها یک باور نظری، بلکه یک اقرار عملی و نوعی نگرش به کل هستی است.

۲.۲. توحیدباوری

توحیدباوری به معنای تمرکز و محوریت دادن به اصل توحید (یگانگی خداوند) در تمامی ابعاد حیات فردی و اجتماعی، جهان‌بینی، نظام ارزشی، اعمال و رفتار انسان است. در یک نظام توحیدباور، همه چیز از دریچه توحید نگریسته می‌شود؛ خداوند، تنها مبدأ و معاد، تنها مؤثر حقیقی در عالم، و تنها سزاوار پرستش و اطاعت است.

^۸ . کتاب لغت او یکی از بزرگترین فرهنگ لغت‌های عربی است که شرح مفصلی بر قاموس المحيط فیروزآبادی است.

فخر رازی: رویکردی کلامی، عقلانی و فقهی دارد. ایشان بر اثبات عقلی توحید، دفع شبهات کلامی، و تبیین براهین منطقی برای ایمان تأکید بیشتری دارد. شیوه‌های تربیتی او بیشتر بر اقناع عقلی فرزندان، آموزش دلایل توحید و رعایت احکام شرعی متمرکز است.

۲,۲,۷. عمق بخشی به مفهوم شرک:

علامه طباطبایی: علاوه بر شرک جلی (پرستش بت)، بر شرک خفی و ابعاد پنهان شرک (مانند ریا، خودبینی، وابستگی به غیر خدا در امور قلبی) و ریشه کن کردن آن در تربیت فرزندان تأکید خاصی دارد. ایشان شرک را ظلمی به جایگاه وجودی انسان و هستی می‌داند.

فخر رازی: گرچه به قبح شرک تأکید دارد، اما تحلیل‌هایش بیشتر بر جنبه‌های کلامی شرک جلی و نفی براهین وجود شریک برای خدا متمرکز است.

۳,۲,۷. تفسیر «لطیف» و «خبیر» و نقش آن در تربیت

علامه طباطبایی: «لطیف» بودن خداوند را به معنای نفوذ علم و قدرت او در ریزترین و ظریف‌ترین امور می‌داند که این معنا، ابعاد عرفانی و باطنی مراقبه و حضور را در تربیت پررنگ می‌کند.

فخر رازی: «لطیف» را بیشتر به معنای نافذ القدره و «خبیر» را به معنای عالم به بواطن امور می‌داند که تأکید بر قدرت و علم وسیع خداوند در مقام تحدی و آگاهی مطلق است.

۴,۲,۷. تفاوت در تبیین جایگاه امر به معروف و نهی از منکر

علامه طباطبایی: امر به معروف و نهی از منکر را در راستای «حیات طیبه» و حرکت جامعه به سوی کمال توحیدی می‌بیند و جنبه تربیتی و اصلاحی آن در ابعاد وسیع‌تر مورد نظر اوست.

فخر رازی: به جنبه‌های فقهی و کلامی امر و نهی بیشتر می‌پردازد و آن را به عنوان یک واجب شرعی و وظیفه ائمه و علما (در کامل کردن دیگران) مطرح می‌کند. (تفاوت در تقدم امر به معروف یا نهی از منکر در وصایا نیز از همین رویکردها ناشی می‌شود).

۵,۲,۷. سطح تحلیل اخلاق و رفتار

علامه طباطبایی: رذایل اخلاقی مانند تکبر را ناشی از عدم شناخت صحیح نفس و خدای یگانه می‌داند و آنها را موانع سلوک توحیدی برمی‌شمرد. توحید را در عمق جان انسان و اخلاق او ریشه‌دار می‌بیند.

فخر رازی: بر پیامدهای عملی و ظاهر ناپسند این رفتارها (مانند آزار رساندن صدای بلند) تأکید دارد و آنها را از صفات ناپسند و منافی ادب می‌داند، گرچه این‌ها نیز به نوعی از توحید نشأت می‌گیرند. تحلیل او در این بخش بیشتر به جنبه‌های عقلایی و اجتماعی نزدیک است.

۳,۷. جمع‌بندی

به طور کلی، فخر رازی در تبیین شیوه‌های تقویت توحیدباوری، بیشتر بر ابعاد کلامی، عقلی، دفع شبهات و احکام شرعی تمرکز دارد. در مقابل، علامه طباطبایی با نگاهی عمیق‌تر و جامع‌تر، به ابعاد فلسفی، عرفانی، عملی، فطری و تأثیر توحید بر سیر و سلوک باطنی انسان می‌پردازد و ابعاد اخلاقی را نیز در ذیل توحیدباوری و رفتار عملی تحلیل می‌کند. این تفاوت‌ها، ناشی از مکتب فکری و روش تفسیری هر یک از این دو عالم بزرگ است.

۸. نتیجه‌گیری

این مقاله به شیوه‌های تقویت توحید باوری از دیدگاه علامه طباطبایی و فخر رازی بر اساس آیات ۱۳ تا ۱۹ سوره لقمان پرداخته است و اهمیت این پژوهش از چند منظر قابل توجه است:

۱. بنیادی بودن توحید در اسلام: توحید، محور اصلی معارف و اعمال اسلامی است و تقویت آن در کانون خانواده، تضمین‌کننده تربیت نسلی دین‌مدار و پایبند به ارزش‌های الهی است. این تحقیق راهکارهای قرآنی برای این تربیت اساسی را ارائه می‌دهد.
۲. نقش محوری خانواده در توحیدباوری فرزندان: خانواده نخستین بستر شکل‌گیری هویت دینی و اخلاقی فرزندان است. لذا، شناخت دقیق شیوه‌های تقویت توحید در این نهاد، برای مقابله با چالش‌های فکری و فرهنگی عصر حاضر ضروری است.

۳. غنای علمی و تفسیری: مطالعه تطبیقی دیدگاه‌های دو مفسر بزرگ از دو مکتب فکری شیعه و اهل سنت، به روشن شدن زوایای پنهان و عمق تفسیر قرآن کریم کمک می‌کند و بستر مناسبی برای گفتگوهای علمی میان مذاهبی فراهم می‌آورد.

۴. کاربرد عملی: دستاوردهای این پژوهش می‌تواند به عنوان راهنمایی عملی برای والدین، مربیان دینی و مسئولین فرهنگی در برنامه‌ریزی‌های تربیتی و تدوین محتوای آموزشی برای تقویت ایمان توحیدی در خانواده‌ها به کار گرفته شود.

اما فرضیه تحقیق این بوده که با توجه به مبانی کلامی و روش‌های تفسیری متفاوت علامه طباطبایی و فخر رازی، انتظار می‌رود که اگرچه هر دو مفسر بر لزوم تقویت توحیدباوری در خانواده از طریق شیوه‌هایی خاص تأکید دارند، اما در تأکید بر ابعاد خاص توحید (نظری/عملی)، رویکرد به اثبات آن (عقلی/فطری-عرفانی) و اولویت‌بندی شیوه‌های تربیتی، تفاوت‌های معناداری میان دیدگاه‌های آنان وجود داشته باشد.

و تحلیل نظریات علامه طباطبایی و فخر رازی ذیل آیات ۱۳ تا ۱۹ سوره لقمان، نتایج زیر را در خصوص شیوه‌های تقویت توحیدباوری آشکار ساخت:

هر دو مفسر بر نهی قاطع از شرک به عنوان بزرگترین ظلم و نقطه آغاز تربیت توحیدی و لزوم تقویت حس نظارت مطلق و علم فراگیر خداوند بر تمام اعمال، حتی پنهان‌ترین آنها، در تربیت فرزندان تأکید دارند. بر اهمیت اقامه نماز به عنوان ستون دین و تجلی عملی توحید عبادی در خانواده صحنه می‌گذارند و بر نقش امر به معروف و نهی از منکر به عنوان وظیفه اجتماعی فرد پس از کمال یابی شخصی، در راستای ترویج توحید در جامعه، تأکید دارند و صبر و تحمل مشکلات در مسیر دین‌داری و دعوت به توحید را از امور مهم و ضروری می‌دانند و به اهمیت شکرگزاری (شکر لله و شکر للوالدین) به عنوان عملی توحیدی و راهی برای قدردانی از منعم حقیقی اشاره دارند و رعایت اعتدال در رفتار و گفتار و پرهیز از تکبر و خودپسندی به عنوان جلوه‌هایی از اخلاق توحیدی را تأکید می‌کنند.

رویکرد غالب: فخر رازی بیشتر بر اثبات عقلی و کلامی توحید و دفع شبهات منطقی تمرکز دارد. در مقابل، علامه طباطبایی با رویکردی جامع‌تر، بر ابعاد فلسفی، عرفانی، فطری و عملی توحید، و نفوذ آن در عمق باطن و اخلاق انسان تأکید بیشتری دارد.

گستره شرک: علامه طباطبایی علاوه بر شرک جلی، بر شرک خفی و ابعاد پنهان وابستگی به غیر خدا نیز تمرکز می‌کند، در حالی که فخر رازی بیشتر به شرک جلی و براهین نفی شریک می‌پردازد.

تفسیر صفات الهی: در تبیین صفاتی مانند "لطیف" و "خبیر"، علامه بر جنبه‌های نفوذ علم و قدرت در ریزترین امور (با نگاه عرفانی) تأکید دارد، در حالی که فخر رازی بر احاطه علمی و قدرت خداوند (با نگاه کلامی) بیشتر متمرکز است.

تحلیل اخلاقیات: علامه طباطبایی رذایل اخلاقی را با ریشه‌های توحیدی و عرفانی (عدم شناخت صحیح نفس و خداوند) پیوند می‌زند، در حالی که فخر رازی بیشتر بر ابعاد ظاهری و عقلایی آن‌ها تأکید دارد.

دستاوردهای تحقیق

این تحقیق با ارائه یک تحلیل تطبیقی منظم و مستند از دو مکتب تفسیری بزرگ اسلامی، به درک عمیق‌تر از شیوه‌های قرآنی تقویت توحیدباوری کمک کرده است. دستاورد اصلی این پژوهش، شناسایی نقشه راه جامعی برای تربیت توحیدی است که با وجود تفاوت در رویکردها، نقاط قوت هر دو دیدگاه را در خدمت یک هدف واحد قرار می‌دهد. این پژوهش می‌تواند مبنایی برای مطالعات بیشتر در حوزه تربیت دینی کاربردی در جامعه معاصر باشد.

۹. منابع و مآخذ

• قرآن کریم

۱. ابن درید، محمد بن الحسن. (۱۹۸۷م). جمهره اللغة، ج ۱. بیروت: دار العلم للملایین.
۲. ابن فارس، احمد بن فارس. (۱۳۹۹ق)، معجم مقاییس اللغة. (ج. ۶، ص. ۴۷۶). قم: مکتب الإعلام الإسلامی.
۳. اصفهانی، راغب. (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دار القلم.
۴. امام خمینی (ره)، سید روح الله. (۱۴۰۹ق). صحیفه نور. (ج. ۱۶، ص. ۲۴۸). تهران: مرکز تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۵. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۶). جامع السعادات. (شرح بر کتاب ملا مهدی نراقی، و همچنین سخنرانی‌های ایشان در باب اخلاق اسلامی). (ارجاعات به کتب خاص اخلاقی ایشان بهتر است، مانند اسلام و محیط زیست یا مبانی اخلاق در قرآن)
۶. خمینی، روح الله. (۱۳۷۶ش). شرح چهل حدیث (اربعین حدیث). (به ویژه حدیث مربوط به ریا و جهاد اکبر، و بحث از حب نفس). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۷. رازی، فخرالدین. (۱۴۲۰ق)، مفاتیح الغیب، ج. ۲۵، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۸. زبیدی، محمد مرتضی. (بی تا). تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۹، بیروت: دار الهدایه.
۹. طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن. (ج. ۱۶، ذیل بحث از علم خدا و آیه "إنها إن تک مثقال حبه من خردل..."). قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۰. طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن. ج. ۱۶، ذیل آیه ۱۸ سوره لقمان، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۱. طباطبایی، سید محمدحسین.. المیزان فی تفسیر القرآن، ج. ۱۶، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۲. طریحی، فخرالدین. (۱۳۷۵ش). مجمع البحرین، ج ۳، تهران: کتابفروشی مرتضوی.
۱۳. معجم مقاییس اللغة. ج. ۶، قم: مکتب الإعلام الإسلامی.
۱۴. نراقی، احمد بن محمد مهدی. (۱۳۸۵ش). معراج السعاده. (بخش‌های مربوط به ریشه‌های فضایل و رذایل اخلاقی و اهمیت معرفت‌النفس و معرفت‌الله). قم: هجرت.
۱۵. نراقی، مهدی بن ابی‌ذر. (۱۴۰۸ق). جامع السعادات. (ج. ۱، بخش‌های مربوط به فضایل و رذایل اخلاقی و مبانی آن‌ها، به ویژه فصول مربوط به حقیقت نفس و رابطه آن با صفات الهی). بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات